

مقدمه

امروزه نهادهای کیفری و مؤلفه‌ها و مجازات‌های موجود در نظام عدالت کیفری را می‌توان از جهت پیدایش، کارکرد و عملکرد، مورد تحلیل قرار داد و شرایط اجتماعی آن را بررسی کرد. این امر را در حوزه‌ای از علوم جنایی با عنوان «جامعه‌شناسی کیفری» مورد واکاوی قرار می‌دهند.

در بیشتر موارد اصطلاحات «زندانی»^۱ و «حبس»^۲ به جای یکدیگر به کار می‌روند، در حالی که به طور معقول، خلق اصطلاح دوم، در گرو وجود اصطلاح نخست خواهد بود. در اجرای احکام کیفری (و در پاره‌ای از موارد، اجرای احکام مدنی)، «حبس» متعلق «حکم» است، صدور حکم حبس منوط به وجود زندان و اجرای حکم حبس، داخل زندان خواهد بود. افرادی را که متحمل حکم حبس می‌شوند، «زندانی»^۳ می‌نامند. ناگفته نماند در اثر تحولات حقوق کیفری و شکل‌گیری علم جرم‌شناسی در قرن بیستم، واژه «زندانی» جای خود را به «نهاد اصلاح و درمان» یا «بازپروری»^۴ داد. در حال حاضر در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا، زندان را با این اصطلاح می‌شناسند.

در تصور غالب همه ساکنان این نهاد، مرتکب جرائمی شده که به موجب ارتکاب آن جرم، زندانی گشته‌اند. بر فرض پذیرش صحت این مطلب، به دلیل گستردگی و طبقه‌بندی جرائم از حیث شدت و موضوع جرم و انگیزه‌های ارتکاب، می‌توان تصور کرد که ساکنان زندان در طیف‌های گسترده‌ای قابل طبقه‌بندی خواهند بود و نمی‌توان مشابهت و یکسانی غالبی در میان آن‌ها دید.

با وجود این، همه ساکنان زندان، «زندانی» نیستند، بلکه افرادی که «بازداشت»^۵ می‌شوند (موضوع قرار بازداشت موقت، وثیقه یا کفالت قرار می‌گیرند) نیز در محل زندان نگهداری خواهند شد. امروزه، زندان‌ها پذیرای ساکنان دیگری نیز هستند، افرادی که به دلیل عدم پرداخت دیون مالی و غیرمالی، در زندان نگهداری شده‌اند،

۱- prison

۲- imprisonment

۳- Inmate, prisoner

۴- correction

۵- detainee

۹۹ قدمت جرائم و مجازات‌های متعاقب آن، به شکل‌گیری اجتماعات انسانی بازمی‌گردد؛ اما در جایی که نوع نظام سیاسی حاکم، مذهبی باشد یا توتالیتر یا اوتوریته، ماهیت این جرائم و مجازات‌ها نیز متفاوت خواهد بود. مسلماً در نظام سیاسی که احکام مذهبی در آن جریان دارد، جرائم و مجازات‌ها شکل خاصی به خود خواهند گرفت و در نظام سیاسی با ماهیت «حکمرانی» متفاوت، جرائم و مجازات‌ها شکل دیگری به خود می‌گیرند. ۶۶

افرادی که به دلیل اخلاص در روند دادگاه، به مدت پنج روز یا افرادی که دارای وضعیت روانی بوده، بالقوه می‌توانند مرتکب رفتار ضد هنجار شوند، در زندان نگهداری می‌شوند.

در این سطور مشخص شد که همه زندانیان از یک قشر نیستند؛ در حالی که بر آنان، برچسب «زندانی» الصاق زده می‌شود و انگ آن همواره بر پیشانی ساکن زندان خواهد ماند. این امر باعث پدید آمدن مشکلات عدیده‌ای شده که برای مقابله با تأثیرات سوء آن، سازمان ملل متحد و سازمان‌های منطقه‌ای، قواعد و استانداردهای حداقلی را در جایگاه، قلمرو، اداره و کارکرد زندان‌ها در نظر گرفته و تلاش کرده‌اند تا از طریق تصویب آن در قالب معاهده بین‌المللی، کشورها را ملزم به تبعیت از آن کنند.

سیر تکاملی زندان

قدمت جرائم و مجازات‌های متعاقب آن، به شکل‌گیری اجتماعات انسانی بازمی‌گردد؛ اما در جایی که نوع نظام سیاسی حاکم، مذهبی باشد یا توتالیتر یا اوتوریته، ماهیت این جرائم و مجازات‌ها نیز متفاوت خواهد بود. مسلماً در نظام سیاسی که احکام مذهبی در آن جریان دارد، جرائم و مجازات‌ها شکل خاصی به خود خواهند گرفت و در نظام سیاسی با ماهیت «حکمرانی» متفاوت، جرائم و مجازات‌ها شکل دیگری به خود می‌گیرند. نهاد زندان نیز در اثر این تحولات قابل مطالعه است و شاید بهترین تحلیل تاریخی

از تحول مجازات‌ها و نحوه تولد زندان را «امیل دورکیم» در مقاله «دو قانون تکامل کیفری» انجام داده باشد.

بدون شک، «حبس» به‌مثابه یک مجازات نهادینه شده در قبال پاره‌ای از جرائم، به عصر حاضر بازمی‌گردد. البته نهاد «زندانی» نیز قدمت دیرینه‌تری دارد و با توجه به سنگ‌نوشته‌ها و شاهنامه‌ها و سروده‌های کهن، ریشه آن را می‌توان در دوران باستان نیز ملاحظه کرد. لذا توجه به تمایز میان «حبس» و «زندانی» در این تحلیل‌ها حائز اهمیت است.

در زمان‌های بسیار دور، نوع و میزان واکنش به جرائم و مجازات‌ها بسیار شدید و سرکوبگر و علت این امر نیز به ریشه‌های مستحکم روابط اجتماعی در اجتماعات آن زمان بازمی‌گشت. مجازات‌های غالب را می‌توان در اعدام، تبعید، قطع عضو و ناتوان‌سازی دید. زندان نهادی برای نگهداری مجرمان تا زمان اعمال مجازات بود و از این نهاد، کمتر به‌عنوان نهادی برای اجرای نوعی مجازات (حبس) به کار گرفته می‌شد. در دوران امپراتوری روم، زندان‌ها به مکانی برای نگهداری مجرمان تا زمان محاکمه یا اجرای حکم مورد استفاده قرار می‌گرفت. تا قرون نهم و دهم میلادی، کارکرد زندان در قلمروی انگلستان نیز به این صورت بود. در ایران نیز تا اواخر سلطنت قاجاریه کارکرد مشابه انگلستان برای نهاد زندان وجود داشت.

از اواخر قرن هجدهم، زندان به‌مثابه مکانی برای اجرای مجازات حبس تغییر کارایی داد. البته این تحول در انگلستان زودتر آغاز و در قرن شانزدهم، زندان به محلی برای بازپروری مجرمان و کانون اصلاح و درمان شناخته شد. هدف این تحول، بازپروری زندانیان و مهیا کردن آنان برای بازگشت به جامعه و آغاز زندگی جدید بود. شاید علت سبق زمانی این تحول در نهاد زندان در نظام انگلستان، به مقتضای تحولات اقتصادی و انقلاب صنعتی در جامعه انگلستان بود. انقلاب صنعتی در جامعه انگلستان، مستلزم حضور نیروی کار حداکثری و توانمند بود. لازمه این امر نیز آن بود که مجازات‌های سرکوبگر و طردکننده نظیر تبعید و اعدام تا حد امکان حذف شود و مجازات‌های اصلاحی نظیر حبس، برای تربیت زندانیان، جایگزین شود. همچنین بخشی از این زندانیان